

بار دیگر وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی تحرک جدید خود را علیه فضای رادیکان در دانشگاهها را از سر گرفته است.

اینبار با منتسب کردن فعالین سیاسی و دانشجویی به احزاب سیاسی و بویژه حزب حکمتیست، با ایجاد فضایی پلیسی و سیاسی تلاش میکنند محیط فعالیت سیاسی را برای چپ ها و کمونیستها در دانشگاهها، امنیتی و پلیسی کنند.

در این میان عده ای آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته با دامن زدن به کمپین غیرسیاسی علیه حزب حکمتیست، با تحریک و منتسب کردن افراد معینی به این حزب، عملا در این تحرک وزرات اطلاعات شرکت کرده اند. ... صفحه ۲

چه کسی گفته: "سرنوشت معدن سنگ آهن بافق در دستان معاون اول رئیس جمهور است"؟! در حاشیه اعتصاب یک ماهه ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق ژیواشهانی

اعتصاب پنج هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق در اعتراض به عدم امنیت شغلی، یک ماهه شد. خبر این اعتصاب، علیرغم تلاش رسانه های ایران برای سانسور و به حاشیه راندن، به خاطر ابعاد وسیع آن و عزم جزم کارگران برای دخالت در سرنوشت این معدن و برای حفظ امنیت شغلی، دیوار سانسور را شکسته و هرچند محدود پخش شده است. بافق این شهر کارگری در تب و تاب دخالت جمعی هزاران کارگران است و جلب رضایت این پنج هزار کارگر معترض، متحصن و اعتصابی، امر صاف طولی است از مقامات سیاسی و امنیتی و اقتصادی از جمله: شورای اسلامی شهر بافق، فرماندار بافق، استاندار یزد، امام جمعه شهرستان بافق، نمایندگان این شهرستان در مجلس شورای اسلامی، مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی، معاون سیاسی امنیتی استاندار یزد، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس و نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، اعضای کمیسیون صنعت و معدن مجلس شورای اسلامی، نماینده پارلمانی دولت در مجلس شورای اسلامی و نماینده دفتر مقام معظم رهبری. همه برای فریب، در انتظار دولت اعتدال بی حاصل نگاه داشتن، و تفرقه و سرکوب، صف کشیده اند. ... صفحه ۲

از فرخ نگهدار تا عدنان پاچه چی فواد عبداللهی

اوضاع بحرانی عراق فقط فال و "تز فرخ نگهدار را کم داشت؛ ایشان همانطور که فالگیر با نگرستن به ورق ها یا ته فنجان قهوه به کنایه و رمز و ابهام سخن می گوید تا مخاطب نتواند برداشت صریحی از سخنان اش داشته باشد، از اوضاع امروز عراق و دفاع سخیفانه اش از سناریوی پوچ و شکست خورده فدرالیسم با پادویی برای دخالت غرب و رژیم اسلامی در آن منطقه سخن می راند و میگوید:

در عراق فقط کردها نیروی مسلح خودی دارند. شیعیان در دستگاه اداری و بخش های غیر نظامی حکومت نیروی غالب اند. اما عملا فاقد نیروی نظامی شیعی هستند. اعراب سنی نیز هم از قدرت رانده شده اند و هم نیروی مسلح خاص خود ندارند...، یا عراق از هم خواهد پاشید یا مولفه های شیعی و کرد در عراق خواهند پذیرفت که مناطق سنی نشین عرب نیز از همان سطح قدرتی که دو مولفه دیگر برخوردارند، در کادر یک دولت مرکزی با اختیارات محدود، برخوردار شوند...، بحران عراق باید از طریق یک کنفرانس بین المللی با شرکت ایران و ترکیه و عربستان سعودی، و با مشارکت و پشتیبانی قدرت های بزرگ جهانی و با حضور دولت های بارزانی و مالکی بررسی و حل شود... .

ناگفته نماند که قبل از ایشان، ده سال پیش با اشغال عراق توسط آمریکا، عدنان پاچه چی چنین پیشنهادهی داده بود. و حتی قبل تر از آن یعنی از سال ۲۰۰۱ ستاد فرماندهی ایالات متحده تلاش کرده تا تشکیل "خاورمیانه بزرگ" را بر اساس تجزیه کشورها با تکیه بر شاخص قومی و مذهبی محقق سازد. نقشه جغرافیای طرح ریزی شده که طی ژوئیه ۲۰۰۶ منتشر شد تقسیم عراق به سه دولت پیشینی شده بود: دولت سنی، دولت شیعه، دولت کرد. پس تا اینجا آقای نگهدار صرفا به توجیه هزیمت پروژه پنتاگون پرداخته است. اینگونه سناریوها را در یوگوسلاوی سابق شاهدیم؛ و این جنس از مدافعین آن، آدم را یاد کوسوو، تحت نظارت اوباش مسلح جنایتکاری به نام "هاشم تاجی" می اندازد... صفحه ۲

حضور در اجلاس زنان؛ دستاوردی برای رژیم یا برای زنان؟! مونا شاد صفحه ۴

مذهبی، ثمره اشغال عراق توسط آمریکا است! و بالاخره مردم به فاشیسم مذهبی داعش و دیگر جنایتکاران قوم پرست و مذهبی تسلیم نمی شوند... داعش یک حمله از بیرون به دولت مشروع بغداد نیست. یک جنگ قومی و مذهبی داخلی است که از بعد از اشغال نظامی عراق توسط آمریکا شروع شده است. نیروی مهاجم کنونی بخشا همانهایی هستند که تا کنون کارهای انتحاری کرده و می کنند. بعضی های عراق که اکنون در کنار داعش می جنگند، چشم به عراق دوخته اند. آنها رویای بازگشت دوره صدام و حکومت بر عراق را در سر می پروراندند. این ها ولو به دولت فدرال سنی در وسط عراق رضایت بدهند اما این به معنای پایان جنگ نیست. دفاع آمریکا و ایران از بغداد به معنای دفاع از یک دولت مشروع یا جلوگیری از یک سناریوی سیاهی که خود ساخته اند، نیست. اگر آمریکا بمباران هوایی را هم شروع کند، تنها یک نسل کشی جدید حاصل آن خواهد بود. در تحولات خونین عراق، جمهوری اسلامی نه می تواند نقش متحد کننده عراق را بازی کند و نه می تواند جلو تحرک بعضی ها و داعش را بگیرد. در نتیجه نقش این رژیم هم به نقش یک جریان قومی و مذهبی و عنصر سناریوی سیاهی تنزل یافته است. ... صفحه ۳

لاشخورها بر جنازه نیمه جان عراق! مظفر محمدی

ماشین جنگی آگاهانه و نقشه مند همه طرف های درگیر در عراق، همچنان پیش می رود و قربانی می گیرد. آمریکا و متحدینش از عراق یکپارچه و تقسیم عادلانه قدرت و ثروت بین شیعیان و سنی ها و کردها حرف می زنند. اما شواهد عینی و آشکاری می گویند که عراق یک پارچه دیگر رویا است!

دولت اقلیم کردستان به رهبری بارزانی و در هماهنگی با دولت ترکیه، تقسیم عراق به سه بخش فدرال را تنها راه حل جنگ کنونی می داند. امروز عراق عملا به سه بخش تقسیم شده است. اما تشکیل دولت های فدرال شیعه و سنی و کرد هم به معنای پایان آدمکشی و بی خانمان کردن مردم نیست. همزیستی مسالمت آمیز این اقوام و مذاهب در شرایط عراق غیرممکن است. عراق چکسلواکی سابق نیست که چک ها و اسلواک ها با هم کنار بیایند و خون از دماغ کسی نیاید. یعنی ها چشم به بغداد و بازگشت عراق به دوره صدام دوخته اند. مساله اصلی آنها نه قلع و قمع شیعه ها بلکه تسلط بر منابع نفتی است.

دولت اقلیم کردستان چشم به نفت کرکوک و تسلط کامل بر این شهر دوخته است. مرز این سه دولت فدرال را چه کسی تعیین می کند؟ مرزهای قومی و مذهبی و نفتی! به همه این دلایل دورنمای پایان این جنگ خانمانسوز و جنایتکارانه تاریک است. بشریت متمدن امروز باید به این فکر کند که چگونه هر چه زودتر و بغیریت این جنگ و آدم کشی کثیف خاتمه خواهد یافت! نقشه بوزروها روشن است. اما طبقه کارگر عراق، زحمتکش این مملکت از موصل تا سلیمانیه و بغداد و بصره چه می گویند؟ آیا در این جنگ شریکند؟ اگر نیست صدای متفاوتی که از عراق شنیده می شود کدام است؟ درست است که کارد را برگردن مردم گذاشته اند و گلوله را بر شقیقه ها. اما در شهرهایی که هنوز پای جنگ به آنجا کشیده نشده است، کمونیست ها و مردم آزادیخواه و برابری طلب می توانند صدای متفاوتی باشند. می توانند مردم را قانع کنند که این جنگ قومی و مذهبی را بر آنها تحمیل کرده اند. که این سناریو از اشغال عراق شروع شده و داعش و جنگ قومی و

پیش از این هم وزارت اطلاعات چه از طریق راه اندازی داب تهران، با پرونده سازی علیه اعضای رهبری حزب حکمتیست، و چه با پرونده سازی علیه دانشجویان چپ و کمونیست، تلاش کرد مانع اتحاد کمونیستها در کارخانه و دانشگاه و محلات شود.

وزارت اطلاعات تلاش کرد فعالیت کمونیستی را به کنج خانه ها بکشاند و به اصطلاح منزوی کند! سعی کرد که کار وسیع اجتماعی و سازماندهی وسیع توده ای در میان طبقه کارگر و دانشگاه و محلات با افق و پرچم کمونیستی را نه فقط ناممکن که امنیتی و خطرناک قلمداد کند. سران

جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعاتشان به خوبی میدانند که با سرکوب نسلی از جوانان کمونیست در دانشگاههای ایران، با پادگانی کردن دانشگاهها و بستن در دهها نشریه، ویلاگ و با دستگیری صدها انسان انقلابی و کمونیست جوان در ایران، نمیتوانند خطر چپ و کمونیسم را بر فراز نظم و نسق ضدانسانی شان دفع کنند! میدانند که نمیتوانند مانع عروج مجدد آن اینبار نه فقط در دانشگاهها که در مهمترین مراکز تولیدی و در میان پرولتاریای صنعتی ایران، شوند.

تحرك جدید و این دور وزارت اطلاعات، تنها نشان هراس جمهوری اسلامی از عروج و عرض اندام این کمونیسم در ابعاد وسیع و اجتماعی آن است.

حزب حکمتیست ضمن هشدار به همه فعالین سیاسی تلاش میکند که با افشا توطئه های پلیسی - جاسوسی جمهوری اسلامی علیه فعالین سیاسی، تحرکات وزارت اطلاعات و حقوق بگیران و خدمتگذاران بی جیره و مواجب شان را خنثی کند.

حزب حکمتیست تلاش برای بالا بردن هوشیاری فعالین سیاسی نسبت به توطئه های امنیتی جمهوری اسلامی، را از اولویت های خود میدانند و مقابله با تحرکات مسموم در فضای فعالیت سیاسی، از جانب هر جریانیتی که خواسته یا ناخواسته در این تحرك نقش ایفا میکنند، را وظیفه خود میدانند.

ما همزمان همه نیروهای سیاسی و مسئول را به مقابله با این تحرکات جدید وزارت اطلاعات و خنثی کردن توطئه امنیتی کردن فعالیت سیاسی، فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست
(خط رسمی) ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴

چه کسی گفته ...

سرانجام فرماندار بافق فرمودند که: هنگامی که معاون اول رئیس جمهور، از سفر خارج به کشور بازگردد جلسه ای را با حضور وی برای بررسی واگذاری معدن برگزار می کنیم تا تصمیم نهایی در این باره گرفته شود! و سرنوشت معدن سنگ آهن بافق در دستان معاون اول رئیس جمهور است!

طی ماه گذشته، سرنوشت معدن، کار و خواباندن کار، در دستان کارگران اعتصابی بوده است. اعتصابی که مقامات شهر و استان و کشور، ریز و درشت سیاسی، مذهبی، و اقتصادی را به چالش کشیده است.

این اعتصاب، با هرخواست و مطالبه ای که شروع شده باشد، برای امنیت شغلی، علیه بیکاری و برای حفظ معاش کارگران براه افتاده است. هرخواست و مطالبه ای که طرح کرده باشد، واگذاری یا عدم واگذاری سهام به بخش خصوصی یا این و آن نهاد، برای دفاع از معیشت و علیه بیکاری است. بقیه مراکز تولیدی و سراسر ایران مملو از این نوع اعتراضات است، کوچک یا بزرگ، و طبقه کارگر در میدان!

این اعتصاب، مهمتر از هرخواست و مطالبه ای، گوشه ای از قدرت متحد و متشکل کارگری را به نمایش گذاشته است. قدرتی که امروز برای تامین شغلی و دفاع از معیشت و علیه بیکاری به میدان آمده است و فردا میتواند برای هرخواست و مطالبه دیگری به میدان بیاید. این قدرت، این اتحاد و این همبستگی، از خود مطالبه، مهمتر است. آنچه که قرار است معاون اول رئیس جمهور با بازگشت از سفر خارج، به کمک فرماندار و استاندار و امام جمعه و شورای اسلامی انجام دهد، ایجاد نفرت، شکاف در صفوف این اعتصاب، منزوی کردن سازماندهندگان و رهبران عملی این اعتصاب است. این اولین دستور کار این جنابان است.

کارگران اعتصابی با حمایت از سازماندهندگان و رهبران اعتصاب شان، با حفظ وحدت شان و پافشاری بر مطالبات شان علیه بیکاری و برای تامین شغلی، باید به فرماندار بافق بفهمانند که پس از این یک ماه نیز، همچنان سرنوشت معدن سنگ آهن بافق در دستان کارگران و خانواده های کارگری است. معاون اول رئیس جمهور، باید بشنود، نه امر کند!

از فرخ نگهدار تا ...

در ابراز عشق آقای نگهدار به قومیت ها و مذاهب کشف شده در عراق، فاکتور اشغال عراق در پی حمله نظامی آمریکا و دول غربی تماما قلم گرفته می شود تا آنچه امروز در عراق می گذرد در سایه بی عرضگی پادوهای هم خانواده ایشان در تاسیس یک دولت مرکزی بعد از اشغال متشکل از سنی ها، شیعه ها و کردها توجیه گردد. نیت ایشان خیر است و فقط می خواهند از راه درخواست یک کنفرانس بین المللی همه نوع حقوق گله ای، از قماش قومی و مذهبی بجز حقوق انسانی در عراق به منصفه ظهور برسد. لاشه شعار فدرالیسم قرار است دوباره در دهان مردم عراق انداخته شود؛ مردمی که بیش از یک دهه است طعم چماق اشغال، قتل عام های قومی و مذهبی و فدرالیسم خیالی نظم نوین جهانی آمریکا را همچنان زیر دندان دارند. در این خلا، و بیشکلی ایدئولوژیکی و سیاسی و نامعین بودن ساختار حکومت بورژوازی در عراق که حاصل حمله نظامی آمریکا است آقای نگهدار فرصت را غنیمت شمرده به صرافت صیقل دوباره فدرالیسم در قالب چماق نو و مدرن با پشتیبانی قدرتهای بزرگ جهانی افتاده اند. نشانه های یک حکومت فدرال که باغ وحش دولت مالکی در مقایسه با آن یک دموکراسی ایده آل و تمام عیار خواهد بود، از الان پیداست.

تاخوت و تاز امروز جیرانات ناسیونالیست عرب و داعش بر متن شکست آمریکا در سوریه، فرصتی بدست داده که نگهدار در مقام مشاور بی جیره موجب دولت اعتدال در واقع استراتژی روحانی را که جمهوری اسلامی کماکان در آینده سیاه عراق سهمی داشته و همچنان منطقه نفوذ ایران باقی بماند، تعقیب کند و بدینسان دیگر را با خورش صاحب شوند. بطور واقعی این سناریویی است جهت سازش و ساخت و پاخت عربستان و ترکیه از یک سو و ایران از طرف دیگر. این کنه ماجرا است؛ معامله از بالای سر جامعه و بازی با زندگی و جان مردم عراق! فروختن هر ذره آزادیخواهی و نشانه های مدنیست در جامعه عراق به نفع

مذاکره آقا و اوپاما، خاورمیانه ای که بعد از هزیمت آمریکا در سوریه به میدان تاخوت و تاز ارتجاعی ترین جیرانات تبدیل شده است. و از قرار معلوم آمریکا و دول غربی با ریاکاری تمام، چهره بی نقش و بی تقصیر خود را به رخ جهانیان می کشند. اینبار قرار است ارتجاع محلی در شکل و شمایل شیعه و سنی و کرد دموکراسی محلی را به زندگی میلیون ها انسان در عراق تحمیل کند.

برای توده مردمی که زندگی و هستی شان در این میان به بازی گرفته میشود فقط یک سیر مطلوب وجود دارد. باید بهرقیمت از جنگ داخلی که در حال حاضر در شرف وقوع است جلوگیری کرد. باید دول منطقه را از راه انداختن این کشتار و دخالت در اوضاع عراق منصرف کرد. هیچیک از مسائل مطروحه در این بحران، حقوق قومیت ها و ملیت ها، عروج هیولا و جانوری چون داعش، مسائل داخلی عراق و غیره نمیتواند توجیهی برای این فاجعه باشد.

باید صف مقاومت در دفاع از حیات مردم و مدنیت جامعه را سازمان داد. ضامن جارو کردن صف ارتجاع بومی، تسلیح توده ای مردم، سازمان دادن آنان در محل کار و زیست شان است.

کمونیستهای عراق، میتوانند این نقش تاریخی را در سازمان دادن مردم و مسلح کردن شان برای دفاع از زندگی ایفا کنند.

منافع و اهداف جامعه جهانی آقای نگهدار، طرف داد و ستد ایشان معلوم و معرفی است؛ کسانی که همکاران و همنوایان سناریوی قومی - مذهبی کردن عراق اند، جایگاه شان کاملاً مشخص است. اکثریت مردم عراق از قبل شعار دموکراسی نان نخورده اند تا به مزایای شعار فدرالیسم و حقوق بشر شما پی ببرند! در این دنیای وانفوسا، هستند کسانی که سیاست شان با شرافت و انسانیت توأم است! و خوشبختانه هنوز در این جهان کسانی زندگی می کنند که تفاوت میان توجیه جنایت و توضیح حقیقت را می شناسند و مردم یک کشور را قربانی سناریوی قتل عام جامعه جهانی نمی کنند!

کارگران جهان متحد شوید!

لاشخورها ...

بسیج شیعیان عراق و ایران برای دفاع از اماکن مذهبی کربلا و نجف! و دفاع از یک فرقه علیه فرقه دیگر. حتی حفظ دولت مالکی هم برای جمهوری اسلامی بسیار سخت و حتی غیرممکن شده است. در نتیجه جمهوری اسلامی در تحولات کنونی عراق نه نقش ناجی عراق را دارد و نه برنده چیزی. عراق متحد تحت حاکمیت مذهبی - شیعی مالکی، بهترین گزینه برای ایران بود. این موقعیت اکنون از دست رفته است.

اگر مردم کردستان هم، راه حفظ امنیت شان را درست گرفتن به کلاه خود بدانند، سخت در اشتباهند. راه حل کارگران و مردم کردستان همان راه حلی نیست که دولت احزاب بورژوازی آنجا دارند. همزیستی دولت اقلیمی که کرکوک را در تصرف دارد نه با سنی ها و نه دولت شیعی در بغداد غیرممکن است. حتی اگر این جنگ تمام بشود و مساله سنی ها و داعش حل و فصل شود، تازه جنگ عرب و کرد در کرکوک شروع خواهد شد. کرکوک هم عملا به دو بخش تقسیم می شود اما مثل برلین کارش با کشیدن یک دیوار حل نخواهد شد. آنوقت سوال این است که نفت کرکوک در کدام بخش قرار می گیرد. در بخش کردنشین و دولت اقلیم یا عرب نشین و دولت بغداد؟ طرح استقلال کردستان، در شرایطی که جنگ در عراق خون میگرد فرصت طلبانه و اقدامی تحریک امیز است. استقلال بدون رفراوندوم ممکن نیست. اما شرکت مردم کرکوک در این رفراوندوم چطور خواهد بود. نفرتی که بورژوازی حاکم عراق از دوره صدام تا مالکی و ناسیونالیست های کرد بین عرب و کرد و ترکمن و شیعه و سنی بوجود آورده اند، به آسانی زایل نمی شود. می گویند

ترکمن های کرکوک توسط دولت ترکیه مسلح شده اند... و این نشانه خطرناکی وضعیت کنونی و آتی در کرکوک است. در نتیجه، راه حل مردم کردستان مخالفت با سناریوی جنگ قومی و مذهبی در عراق است. خواست همزیستی مسالمت آمیز و متمدانه همه شهروندان این مملکت است. گفتن نه به جنگ قومی و مذهبی و نه به حاکمیت قومی و مذهبی است! ممکن است در غیاب جنبش مستقل غیرقومی و غیرمذهبی و در غیاب کمونیست ها و سکولارها چنین راه حلی غیرعملی بنظر برسد و شاید رویا. اما اگر چنین موضعی ولو در بعد سیاسی و موضع گیری انسانی جمعیتی از انسان های آزادپخواه و شرافتمند اعلام شود و نیرویی ولو کوچک دور خود جمع کند و یا حتی تومارهایی نوشته شود یا میتینگهایی در میان کارگران بصره، مردم کردستان عراق و ... که در انجاها جنگ نیست... همه اینها ولو راه حل فوری پایان جنگ کثیف کنونی نباشد، اما در تاریخ مبارزات انسانی علیه جنگ و سناریویی که دولت امریکا برای مردم عراق و منطقه ساخته است، ثبت می شود.

می خواهند افکار عمومی را از واقعیات عریان که پشت پرده نامیده می شود منحرف کنند. می خواهند تحولات کنونی را با هجوم تروریست ها و هیولاهای ادمکش، توجیه کنند. هیولاهایی که دو هفته بعد سنی های تحقیر شده نامیده شدند. اولاً این هیولاهای آدمکش ماهیتا همانی هستند که در ایران تحت نام جمهوری اسلامی اعدام های دستجمعی و قتل عام دهه ۶۰ را انجام دادند، در منطقه خاورمیانه تحت نام بردن دمکراسی شهرها را بمباران و بر سر مردان و زنان و کودکان خراب کردند. در گوانتانامو با اسرا مثل حیوان رفتار کردند

و... بنا بر این هجوم وحوش اسلامی و بریدن سر انسان ها و نشان دادن به مردم، تنها گوشه کوچکی از سناریوی سیاه بزرگی است که از زمان اشغال عراق توسط امریکا در عراق ساخته شده است. اشغال نظامی عراق و با خاک یکسان کردن این کشور و از هم گسستن شیرازه جامعه و تلفات انسانی فجیع و عظیم، نقطه آغاز سناریوی سیاهی است که امروز به اینجا رسیده است. این را باید طبقه کارگر امریکا و اروپا بدانند و دخالت کنند و اظهار نظر کنند تا اینکه بشریت در آینده از این فجایع و دخالت های پنتگونی و ناتوی در امان باشند. مهار ناتو و پنتاگون تنها برعهده مردمانی که مورد حمله قرار گرفته و میگیرند نیست. وظیفه طبقه کارگر بین المللی است. هر گونه سکوت در مقابل این اوضاع مایه شرم و خجالت جامعه بشری است.

دولت امریکا و دول اروپایی باید مسوولیت وضعیت کنونی و جنایات و فجایعی که بر سر مردم در سوریه و عراق آمده و می آید را برعهده بگیرند. سران دولت عربستان سعودی و ترکیه از طرفی بدلیل سازماندهی جنگ سنی ها علیه شیعه ها و جمهوری اسلامی از طرف دیگر بدلیل قرار گرفتن پشت یک دولت مذهبی شیعی به رهبری مالکی در بغداد، بعنوان دوطرف جنگ شیعه و سنی در عراق مجرم اند و باید پاسخگوی جنایاتشان باشند. یکی از حقارت سنی ها دفاع می کند و دیگری از حاکمیت شیعه ها و مظلومیت شهدای کربلا و نجف. اما این یک لشکر کشی واقعی از هر دو طرف است برای سهم گیری هر چه بیشتر در منطقه. طبقه کارگر عراق از هم پاشیده است و شیرازه کل جامعه از هم گسسته است. اگر چه هنوز چرخ های جامعه و بخصوص در صنعت نفت را طبقه کارگر می چرخاند و در سالهای اخیر کرور کرور پول

اگر در گوشه ای از عراق و یا کردستان نطفه چنین مقاومت مستقل و انسانی ای شکل بگیرد تکلیف من کمونیست نوعی و هر جریان کمونیستی و رادیکالی برای حمایت و شرکت و دفاع از آن روشن خواهد شد. آیا احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان، می توانند آغازگر و بینانگزار چنین تحرک انسانی در هر کجای عراق باشند؟ تحرک سیاسی و مسلحانه ای علیه وضع موجود و بنیان جهنمی که برای مردم عراق درست شده است.

جامعه عراق هرگز تا این حد مملو از نفرت و کینه قومی و مذهبی نبوده است. تصاویر سیاه روزهایی که جوانانی که به نام شیعه یا سنی برای کشتن همدیگر دست به اسلحه برده اند، هزاران انسان بیگناهی که آواره شده اند و به کوچ اجباری کشیده میشوند، جامعه ای که به یمن پیروزی دمکراسی غربی به ویرانی کشیده شد، مناطق کرد و شیعه و سنی فی الحال تقسیم شده، از امروز در مقابل چشم همگان رژه می رود. تجزیه عراق به جزائر قومی و مذهبی، شیعه و سنتی، به سرانجام نخواهد رسید. این تجزیه ای است که نه فقط پایان جنگهای صلیبی و قومی در عراق نیست، که سرآغاز یکدور دیگر از جنگ و خونریزی در جامعه عراق و به تباهی کشیدن کامل این جامعه است. تباهی که تأثیرات خود را بر سایر کشورهای منطقه نیز خواهد داشت...

تحرک داعش و بازماندگان رژیم بعث در عراق، قرار است توازن قوا میان قطبهای ارتجاع در منطقه، ایران و عربستان و ترکیه، را تعیین کند. سلب مسئولیت دول غربی از دخالت در عراق و همزمان میدان دادن به تحرک دولت ایران، و بالاخره روانه شدن سپاه قدس برای پاکسازی داعش، عراق را به محمل حل تناقضات و کشمکش عربستان، ترکیه و ایران تبدیل کرده است...

مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

حضور در اجلاس زنان، دستاوردی برای رژیم یا برای زنان؟! مونا شاد

امسال بیست و سومین اجلاس زنان در سه روز با شعار "زنان؛ طراحی مجدد اقتصاد و جامعه" در پاریس آغاز به کار کرد. در این اجلاس رئیس جمهور و وزرای ۸۰ کشور حضور داشتند که رژیم اسلامی هم برای اولین بار یکی از ۸۰ کشور شرکت کننده در این اجلاس بود.

دولت روحانی با شعار دولت تدبیر و امید و با کلیدی در دست، از اصلاح طلبان داخل و خارج گرفته تا دول غربی و آمریکا، را شیفته و مجذوب لبخند ریاکارانه اش کرده. در حالی که چشم امید بورژوازی غرب به روحانی دوخته شده و مدیای غرب و خود روحانی دم از بهبود شرایط زنان و حقوق زن می زنند اما وضعیت زنان در ایران هر روز بدتر و قوانین سخت گیرانه تر و مترجم تری بر علیه شان تصویب می شود و حلقه ی زندگی برای زنان تنگ تر و تنگ تر می شود. ریاکاری و شعارهای دهان پر کن روحانی تمامی ندارد: فرصت های برابر، مصونیت برابر و حقوق اجتماعی برابر. چقدر وقیحانه است که رئیس جمهوری دم از مصونیت برابر در خانه و خیابان برای زنان بزند درحالی که در صافهان تنها در هفته نخست خردادماه ۴۱۰۰ نفر و در تهران ۶۸۱۰ نفر به جرم بدحجابی توسط گشت ارشاد دستگیر شده اند.

جمهوری اسلامی و دول خارجی درحالی برای هم کف می زنند و هورا می کشند و شعار زنان طراحی مجدد اقتصاد و جامعه را سر داده اند که در معاونت زنان هر هفته ۲۰ شکایت از اخراج زنان به دلیل استفاده از مرخصی زایمان مطرح می شود. برای زنان کارگر محیط کار ناامن ترین فضااست. هر لحظه خطر و نگرانی از اخراج زندگی آنها را تهدید می کند و گاه برای حفظ کارشان تن به انواع روابط از سوی کارفرما می دهند. به کار گرفتن زنان بعنوان نیروی کار ارزان و نیمه وقت تضمینی ست برای کسب سود بیشتر کارفرما بدون پرداخت حق بیمه و آینده ای تاریک و نگران کننده در دوران کهولت بدون بیمه بازنستگی برای زنان کارگر. اینسان اولین قربانیان تعدیل نیرو و در معرض تهدید اخراج قرار دارند. واقعیت این است که اینها تنها یک نمایش و فریب جامعه و افکار عمومی جهانی ست.

شهیندخت مولاردی معاون امور زنان رژیم اسلامی می گوید هدف از شرکت در این اجلاس شتاب پیشرفت اقتصادی زنان و همین طور افزایش مشارکت بخش عمومی و خصوصی برای افزایش فرصت های اقتصادی و کارآفرینی زنان بود. همچنین در حاشیه این اجلاس نماینده امور زنان، با وزیر زنان، جوانان و ورزش فرانسه دیدار و گفتگو کرده و قول تبادل تجارب و... را داده!

در سال ۲۰۱۲ وزارت علوم و فن آوری، زنان را از ثبت نام در ۷۷ رشته تحصیلی در ۳۶ دانشگاه دولتی در سراسر کشور محروم کرد. با این وجود زنان رکورددار حضور در دانشگاه ها بودند. ولی با تمام این تلاش ها و عبور از موانع مختلف پیش روی زنان، تبعیض ها و موانع عمیق جنسی در میزان مشارکت زنان در رژیم ضد زن آفتدر عمیق و ریشه دار است که تنها ۳۲ درصد از زنان در بازار کار نقش آفرین هستند. طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی ایران، مردان اجازه دارند که در صورتی که تشخیص دهند که کار همسرشان با منافع خانواده سازگاری نداشته باشد مرد می تواند مانع کار کردن زن در خارج از منزل شود. الطاف رئیس جمهور درخصوص به حاشیه راندن زنان تمامی ندارد و چندی پیش با ابلاغ تصویب سیاست های کلی جمعیت و تاکید در تحکیم بنیاد خانواده بر اصول و ارزش های اسلامی و تسهیل در رشد کمی جمعیت و باروری نسل صالح عملاً زنان را از مشارکت در بخش های عمومی اقتصادی حذف می کند؛ تا با خانه نشین کردن زنان، پرستاران و کلفت هایی بی اجر و مواجب را جهت بازتولید نیروی کار و افزایش خیل عظیم کارگران ارزان برای نظام سرمایه داری ایران پرورش دهند.

زنان نه تنها با آمدن روحانی وضعیتی بهتری پیدا نکردند بلکه با تصویب قوانینی به شدت ارتجاعی، هر روز حداقل های حقوق زندگی را هم از دست می دهند. قبلاً زنان برای دیدن مسابقات ورزشی و الیبال آزاد بودند و برکات توجه روحانی این حق هم از آنها زدوده شد و از حضور در میادین ورزشی بعنوان تماشاچی هم منع شده اند! جالب است که حتی نماینده مرتجع رژیم اسلامی هم نمی تواند در این اجلاس این واقعیت را پنهان کند و اعتراف می کند که

وضعیت اشتغال زنان ایران حتی در مقایسه با کشورهای که اشتراکات مذهبی دارند از آنها هم عقب مانده تر است و می گوید ما در ابتدای راه هستیم و ایران در سطح ملی قابل قیاس با وضعیت دنیا نیست.

اگرچه نابرابری ها و تبعیض جنسی در کل جوامع انسانی کم و بیش وجود دارد ولی تاریخاً جنبش برابری طلبی زنان آزادخواه در کشورهای اروپایی و در راس آنها مبارزات رادیکال گسترده زنان طبقه کارگر، برای به رسمیت شناختن حقوق برابر زنان و مطالبات به حقشان، تا اندازه زیادی در قیاس با جوامع اسلام زده، مردسالاری نظام سرمایه داری را وادار به عقب نشینی کرده است. این دستاوردها تماماً و تاریخاً حاصل مبارزات رادیکال زنان کارگر است و این امر مهم نشان می دهد که امید به تغییر از بالا و دل بستن به حکام و جنایتکاران زن ستیز فقط سرگرم کردن و کلمات زیبا و فریبکارانه ایست برای دست به سر کردن حقوق زنان! اینان به اندازه کافی نشان داده اند که نمی توانند نمایندگان واقعی زنان جامعه ایران باشند بلکه جانیانی اند که هدف شان چیزی نیست جز تحکیم موقعیت و روابط خارجی حکومتی اسلامی سرمایه با دول غربی.

پذیرش نمایندگان یک رژیم تا دندان مسلح علیه حقوق زنان توسط کشورهای غربی بعنوان نمایندگان امور زنان، خود نقض آشکار هر ذره آزادیخواهی و به عقب راندن جنبش برابری طلبی زنان علیه جمهوری اسلامی است. نمایندگان واقعی زنان ایران همان دخترانی هستند که در کوچه و خیابان هر روز به جرم بی حجابی دستگیر می شوند؛ دخترانی که سد و موانع را برای اثبات حضورشان به عنوان یک انسان در جامعه شکسته و از خط قرمزها و قوانین قرون وسطایی رژیم عبور می کنند و برای این تابوهای خرافی ارزشی قایل نیستند.

نمایندگان حقیقی زنان، طبقه کارگر و جنبش کمونیستی آن است که باید مبارز هر قدم در عقب نشانند مرد سالاری و زن ستیزی باشد. کمونیسم طبقه کارگری که سنگر مبارزه علیه ستمکشی زن در نظام سرمایه داری است و بازمیان برداشتن سرمایه، کار مزدی و پول، رهایی زن را تضمین می کند.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است.

ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است.

نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد.

ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در آردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست
کارگری حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبدللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

زنده باد انقلاب کارگری